

نامه سرگشاده به پرزیدنت فیدل کاسترو و پرزیدنت هوگو چاوز

بر پایمردی و شجاعت مردم شما درود می فرستیم که برای فتح آزادی، دموکراسی و حاکمیت بر سرنوشت خود، در مقابل سهمگین تری نیروی دوران ما و آزمندیها و توطئه های الیگارشای های مالی که بر دنیا مسلطند و همه جا بذر گرسنگی، وحشت و مرگ می پاشند، ایستادگی می کنند.

در نبردی که درگیر شده است، مردم ما مشکلات و پیروزیهایتان را از آن خود می دانند. در همین راه بود که در سال ۱۳۵۷ برخاستند و رژیم خونریز شاه را که حلقه بگوش امپریالیستها بود، سرنگون کردند.

این مبارزات ادامه دارد و امروز هدفش جایگزینی جمهوری اسلامی ایران است که تبهکاریهایش بر کسی پوشیده نیست. جمهوری اسلامی ایران امید ما به دموکراسی را در بند کشید و آنرا با یک دیکتاتوری مذهبی فاشیست و فاسد جایگزین کرد که بر خلاف اختلافات ظاهریش با امپریالیسم آمریکائی، همه جا (در بوسنی، افغانستان و عراق) به کمکش می شتابد و دقیقاً از همان سرمشق های لیبرالیسم اقتصادی او پیروی کرده و هرگونه مقاومت را نیز وحشیانه سرکوب می کند. لیبرالیسمی که توده های وسیع زحمتکشان را به حاشیه جامعه رانده است. ایران امروز در دوران سیاهی گرفتار است که می توان آن را با سالهای سلطه پینوشه در شیلی قیاس نمود.

یک نمونه ذکر می کنیم: با اعتصابیون شرکت واحد در ژانویه ۲۰۰۶ چگونه رفتار کردند؟ رژیم، نیروهای ویژه را اعزام کرد تا اعتصاب را سرکوب کنند! آنها ۱۵۰۰ اعتصاب کننده را دستگیر کرده و شبانه به خانه هایشان حمله بردند. زن و بچه ها را کتک زدند، به گروگان گرفتند و اذیت و آزار و شکنجه ها را شکستند تا بر جو ترور و خفقان بیافزایند و آنها را که حق خودشانرا طلب می کردند به سکوت وادارند. بدین ترتیب با اشکال جدیدی از رفتارهای فاشیستی آشنا شدیم.

ملاها بر ایران بلاکشیده ما به زور سرنیزه، پلیس مخفی، بسیج و پاسدار حکومت می کنند. یک دستگاه قضایی دارند که از دادگستری فقط نامش را دارد و کارش اینست که دگراندیشان را به سنگسار، قطع عضو، شلاق، شکنجه و زندان محکوم کند. از این طریق است که قوانین وحشیانه تبعیض جنسی را بر زنان تحمیل کرده، آزادیهای اندیشه و بیان و عقیده سیاسی و مذهبی را سرکوب می کنند. برای مردم زحمتکش ایران تنها این باقی مانده است که دهان ببندند و شب و روز کار کنند تا نه تنها مالیات و عوارض کمر شکن بپردازند بلکه تأمین کننده سودهای کلان برای سرمایه های شرکت های دولتی و خصوصی ای باشند که منافع آنها به جیب های گشاد رهبران جمهوری اسلامی و نزدیکانشان می ریزد. از بقیه در آمد ناچیز کارگران، تازه بخشی نیز صرف پرداخت خمس و زکات و پر کردن صندوق های مؤسسات مذهبی میشود؛ آنچه که باقی میماند، فقر و سیه روزی است که باید به نام اسلام پذیرا باشند.

بدین ترتیب در این کشور ثروتمند، فقط بخش ناچیزی از درآمدها به اکثریت عظیم مردم اختصاص می یابد. حاصل این اوضاع فقر روزافزون کارگران و زحمتکشان است. بیکاری آشکار و پنهان بیداد می کند و مطابق آمار خود رژیم، بیش از ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند. بنا به آمار خود رژیم، فقط در تهران صد ها هزار زن آواره و مرد کارتون خواب وجود دارد. تعداد کودکان خیابانی به ده ها هزار نفر می رسد. بازهم در تهران؛ دو میلیون نفر در حلبی آبادها زندگی میکنند. فحشا، اعتیاد (۵/۵ میلیون معتاد رسمی)، راهزنی و انواع رشاء و ارتشاء وسیعاً رایج است که همگی نتیجه ناگزیر نهایت فقری است که بر کشور حکمفرماست. در این اوضاع استیصال عمومی، رژیم حاکم، به بودجه سال آینده برای تبلیغات اسلامی ۲۵۰ درصد میافزاید. در مقابل، هیچ برنامه ای برای مبارزه با بیکاری یا ازبین بردن تورم (۲۰ درصد پیش بینی شده برای امسال) یا مبارزه علیه قاچاق کالا (که توسط نزدیکان رژیم انجام میگردد) وجود ندارد. قاچاق هر ساله ۴۰٪ بازار داخلی را به خود اختصاص داده و مؤسسات تولیدی داخلی را به ورشکستگی میکشانند و موجب بیکاری کارگران بیشتری میشود.

نا رضایی به حدی است که انتخابات گذشته توسط بیش از ۲۰ میلیون نفر از رأی دهندگان تحریم شد و جو جامعه بیش از پیش متشنج است.

کوشش های شما را درک می کنیم که در جستجوی متحدی هستید تا در مقابل فشارهای الیگارشهای مالی سرمایه داری جهانی شده، که از حمایت قدرت نظامی آمریکا نیز بهره مند است، قادر به مقاومت باشید. در این نبرد، بهترین و واقعی ترین متحدین شما مردم قهرمان ایران (ونه آنها که قدرت دولتی را غصب کرده اند)، هستند. حق ایران در داشتن صنایع هسته ای برای مصارف صلح آمیز غیر قابل انکار است. ولی فراموش نکنیم که در ایران، علیه این رژیم مذهبی، که بر مردم ظلم می کند، نبردی در گیر است و هرگونه رابطه سیاسی یا اقتصادی با این کشور تنها زمانی درست و جایز است که به این مبارزه برای استقرار دموکراسی یاری برساند.

سردمداران رژیم اسلامی چندان ثروتهای عظیمی اندوخته اند که رؤیای امروزشان پیوستن به سازمان جهانی تجارت است تا امکان سرمایه گذاریهای بیشتری بدست آورند. بخش دیگری از آنها که از قبل جنگ ایران-عراق ثروتمند شده اند، جنگ دیگری میخوانند تا از این طریق بیشتر ثروتمند شوند و می کوشند احمدی نژاد را در این جهت برانند. او نیز، همراه با تمامی آن

کسانی که او را برای دست یافتن به قدرت از راه یک انتخابات مخدوش یاری کردند، از همه وسایل، منجمله تبلیغات در اطراف پرونده هسته ای، استفاده میکند تا مردم را بفریبد و اذهانشان را از مسائل اصلی جامعه منحرف سازد. در ضمن سعی دارد همه فاشیستها و ضد یهود های جهان را نیز با خود متحد کند! گذشته از ضد انسانی بودن، این سیاست می تواند مردم را بسوی یک سرکشتگی و یا فاجعه ای دیگر بکشاند! جای ما که دنیای بهتری آرزو می کنیم در کنار آنها نیست. ما جنگ نمی خواهیم که جان و مال مردم ما را به خطر بیاندازد، کشور ما را تخریب کرده و آنرا به اشغال نیروهای جنایتکار و آژمند خارجی در آورد. بر عکس، احمدی نژاد و همراهانش مستقیما از جهنم سر می رسند و تجسم واقعی توحش و بربریت اند. آنها هیچ احترامی برای جان و مال مردم ندارند. شکنجه گران کهنه کاری هستند که در شکنجه گری، اعدام های دستجمعی، سانسور و جوخه های مرگ تخصص دارند! در زمره مسئولین و سازمان دهندگان کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی قرار دارند که فجایع آنها در سالهای ۱۳۶۰ (بیش از ده ها هزار نفر) و تابستان ۱۳۶۷ (بیش از ۵۰۰۰ نفر) و همچنین قتلهای زنجیره ای دگر اندیشان در پائیز ۱۳۷۷ (بیش از ۱۰۰ قتل) فراموش نشدنی است. آنها و مسئولین مافوقشان، (خامنه ای، رفسنجانی، مصباح یزدی و سایر سران این رژیم) جنایتکاران علیه بشریت اند و تحت همین عنوان باید محاکمه شوند. در عملکرد و در تفکر خود، آنها متحدین امپریالیسم اند. دشمنان دشمنان ما ضرورتا دوست ما نیستند! زمانی میرسد که در خیانت به ما ذره ای درنگ نخواهند داشت (نقش آنها را در غائله کنتراسها «CONTRAS» و ضد انقلاب در نیکاراگوئه، بخاطر بیاورید).

پرزیدنت چاوز اگر به ایران برود، ما از او تقاضا داریم ملاقاتی با زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام داشته باشد و مشاهده کند چرا گرفتار شدند و در چه شرایطی زندانی هستند. باید از جمهوری اسلامی پرسید چرا زهرا کاظمی و بسیاری روزنامه نگاران دیگر (ناپدید شده) را به قتل رسانده و ده ها نشریه غیر دولتی را توقیف کرده است!؟

مردم زحمتکش ایران دنیای بهتری میخواهند؛ دنیای بدون یوغ امپریالیسم و فاشیسم؛ عاری از جنگ و نفرت و تفتیش عقاید؛ عاری از دادگاههای ویژه، شکنجه و جوخه های مرگ؛ بدون فقر و بیکاری و قدر قدرتی سرمایه و پول؛ عاری از سلاح اتمی، ناپالم و مین ضد نفر، سلاح های شیمیایی و ضد گیاه.. مردم ما خواهان دوستی بین ملتها هستند؛ خواهان آزادی عقیده، جدائی دین از دولت، برابری زن و مرد و عدالت اجتماعی هستند و حاکمیت اکثریت زحمتکش را میخواهند. مردم میخواهند که مسابقه دیوانه وار تسلیحاتی پایان پذیرد و همه جنگ ها و ارتش ها ملغی شوند! مردم ایران میخواهند که در آمد های نفت و دیگر ثروتهای کشور ما در راه خوشبختی توده های رنج و کار مصرف شوند.

آقایان رؤسای جمهور، شما از اعتباری بین المللی بر خوردار هستید و کمترین خطاهای شما قادر به ایجاد توهمات مخربی خواهند بود که مردم ما را می فریبند و آنها را به شکست و دلسردی می کشانند. ما منتظر توضیحات شما هستیم. آیا فقط از یک حق غیر قابل انکار دفاع می کنید که توسط اتحاد زور گو و جنگ طلب بین المللی امپریالیستها به مخاطره افتاده است یا حامی تمامی سیاستها و اعمال ضد دموکراتیک و جنایتکارانه رهبران جمهوری اسلامی نیز هستید؟

هنگامی که کشور های اروپائی، نزدیکی روابطشان با جمهوری اسلامی را آغاز کردند، نمی توانستند ما را فریب بدهند. ما دقیقا میدانستیم آنها چه اهدافی را دنبال می کنند: نفت و منافع عظیم اقتصادی! البته منافع مردم زحمتکش ما در این میان به حساب نمی آمد. ادعا میکردند که سیاستشان "گفتگوی انتقادی" است که به تغییر ماهیت دولت اسلامی خواهد انجامید! امروز، بعد از دو دهه "گفتگو"، در کجای کار قرار داریم؟ در زمینه حقوق بشر و بهبود زندگی مردم، شکست این سیاست کاملا روشن است. در عوض، سود های میلیارد دلاری در صندوقهای شرکت ها و خزانه های دولتهای اروپائی انباشته و فقر و بدبختی مردم ایران افزون تر شده است.

مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست. مردم ما، مردم شما و مردم آزادیخواه سراسر جهان، در نبردی مشترک علیه دشمنان مشترک درگیر هستند. این دشمنان عبارتند از امپریالیستها و همه دولتهای مرتجع و خونریز از نوع جمهوری اسلامی! برایشان آرزوی پیروزی داریم.

همچنین آرزو داریم که منافع مردم آزادی خواه را فراموش نکنید. بهر صورت ما در حد توان خود به مردم ایران توضیح خواهیم داد که نه تنها باید زیر بار زورگویی های الیگارش های سرمایه داری جهانی شده نرویم و علیه دخالت های نظامی خارجی مبارزه کنیم بلکه این حکومت بومی مذهبی فاشیست و فاسد نیز دشمنی است که باید به زیر بکشیم تا بتوانیم دنیای بهتری بنا کنیم.

ایرانیان جمهوری خواه، دموکرات و لائیک - پاریس

IRDL2003@yahoo.fr